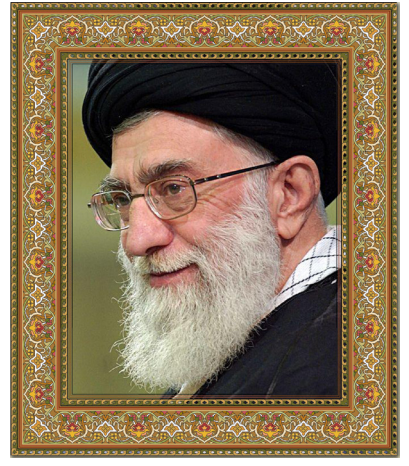


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ

آیه ۲۱ سوره احزاب

گریه بر حسین بالاترین فریاد بر ستم است.
در ماه محرم، اندیشه ناب اسلام محمدی (ص)،
دشمنان انسانیت را در برابر جوان مردی و
شجاعت خود به زانو در آورد.
اشک‌هایی که در محرم جاری می‌شود، بنیاد
ستم را ریشه کن می‌کند و انسانیت را زندگی
می‌بخشد.
عزاداری مؤمنان و شیعیان برای فرزند پیامبر،
یک فرهنگ است که در آموزه‌های ناب اسلام
ریشه دارد.

فرا رسیدن محرم الحرام را به رهروان طریق
حسینی تسلیت می‌گوییم.





امریکیتاد وہزینتاد باغزمرے کے مدیریت جہاد

شناسنامہ

صاحب امتیاز: ستاد برگزاری طرح اسوه، زیر نظر جامعه فرهنگی قرآنی عصر

مدیرمسئول: محمدتقی میرزاجانی

سردبیر: حجت الاسلام شهاب غفاری

صفحه آرایی: مؤسسه پارسی زبانان

باتشکر از: حسن ابراهیم آبادی و سجاد شاکریان

تلفن: ۰۲۱۶۶۴۶۴۲۰۶

پیامک: ۱۰۰۰۳۲۱۲۴۲۵۳۶۳

ایمیل: quranosveh@gmail.com

نشانی: تهران، خیابان انقلاب، خیابان فلسطین جنوبی، نبش نوشیروان، پلاک ۲۲

فهرست

| | | | |
|----|---------------------------------|----|-------------------------------------|
| ۲۶ | - آرزو دارم از خادمین قرآن باشم | | بخش اول: از طرح اسوه چه خبر؟ |
| ۲۸ | - فراموش نکنیم | ۶ | - روزهای به یاد ماندنی |
| ۲۹ | - یک نکته مهم در قوانین آخرت | ۸ | - شرکت کنندگان |
| ۳۰ | - مقدمه ای بر آموزش صوت | ۱۲ | - اساتید حاضر در طرح |
| | بخش چهارم: احکام | | بخش دوم: اعتقادات |
| ۳۳ | - پرسش و پاسخ | ۱۸ | - تو کیستی؟ |
| | بخش پنجم: دانستنی ها | ۱۹ | - شکر |
| ۳۵ | - حرف دل شیطان | ۱۹ | - استاد مغز ندارد! |
| ۳۵ | - حساب بانکی | ۲۰ | - با کاروان حسینی |
| ۳۶ | - شلغم را جدی بگیرید! | ۲۱ | - حس و حال عاشقی |
| ۳۷ | - دندان‌های سفید داشته باشید | ۲۲ | - معرفی نوجوانان کاروان حسینی |
| ۳۷ | - نگین می شوید | | بخش سوم: قرآن |
| ۳۷ | - انرژی خود را زیاد کنید | ۲۴ | - قرآن و آمار |
| ۳۷ | - یه فنجان شوخی | ۲۴ | - ...ترین های قرآنی |
| ۳۸ | - مسابقه ... با جایزه | ۲۴ | - در مورد سوره ها |
| ۳۹ | - پیامک های محرم | ۲۵ | - صاحب صدای خاشع |

طلیعه



ضرورت استفاده از ابزار ارتباطی در ایجاد انسجام بیشتر در مجموعه‌ها و انتقال آخرین اخبار، اطلاعات و محتوای مورد نیاز و مرتبط با وظایف و کارکرد آن جمع سازمان یافته، بر کسی پوشیده نیست.

با همین رویکرد و در راستای اجرای طرح آموزش تخصصی و تربیتی قاریان ممتاز نوجوان قرآن کریم، بنا شد در ستاد برگزاری طرح، نسبت به طبع و نشر «نشریه قرآنی اسوه» اقدام شود.

این نشریه که به طور معمول، یک شماره ویژه هر فصل سال تدارک گردیده (که البته ممکن است در شرایطی، در بازه زمانی زودتر منتشر شود) برای مخاطبین عزیز طرح، اولیای محترم ایشان و برخی اشخاص موثر مرتبط با این دوستان طراحی شده است.

محتوای این نشریه، غالباً حول پنج محور تهیه و تدوین می شود: طرح اسوه، اعتقادات، قرآن، احکام و دانستنی‌های آموزنده و مفید. نکته حائز اهمیت، همکاری و مشارکت فعالانه قاریان عضو طرح و وابستگان ایشان است که در تهیه و ارسال مطالب مفید همت نمایند که البته این مطالب با نام خود ایشان در شماره‌های بعد به چاپ خواهد رسید.

بحمدالله مرحله اول طرح اسوه، از ۲۶ مرداد تا ۲۲ شهریورماه امسال در تهران برگزار شد و خاطرات شیرینی از این دوره به یادماندنی، ثبت و ضبط گردید. بی‌صبرانه منتظر آغاز مرحله دوم که اواخر زمستان امسال خواهد بود هستیم تا موفق به دیدار مجدد نوگلان قرآنی شویم. در طی این مدت هم از طریق همین نشریه، تماس تلفنی مشاورین محترم طرح، پیامک و سایر راه‌های ارتباطی، با مخاطبان عزیز طرح اسوه همراه خواهیم بود.

در پایان جا دارد از حمایت‌های شایسته جامعه فرهنگی قرآنی عصر بنیاد فرهنگی خاتم الاوصیاء^(ع)، مساعدت‌های مغتنم شورای عالی قرآن و همکاران عزیزم در ستاد برگزاری طرح و هیأت تحریریه این نشریه، به ویژه سردبیر محترم، تقدیر و تشکر نمایم.

مدیر مسئول

یه حرف



دوست عزیزم سلام، سلامی به گرمی تابستان و زیبایی پاییز و سفیدی زمستان و لطافت بهار؛

بدون مقدمه بریم سر اصل مطلب. قرار ما با دوستان اسوه‌ای خودمون که تابستون با هم دیگه اردو بودیم، این بود که ارتباط صمیمی علمی و آموزشی داشته باشیم که آگه زرنگ باشی می‌تونی حسابی از این فرصت استفاده کنی و خوب سطح دانستنی‌ها و اطلاعات دینی و قرآنی خودتو بالا ببری. تازه هروقت مطلب قشنگی (مثل خاطره، داستان، حدیث و...) که فکر می‌کنی برای رشد دینی و علمی دوستان لازمه و جاش تو نشریه خالیه برامون بفرستی ما با اسم و عکس خودت چاپش می‌کنیم. خلاصه بگم، هر جور که بتونی توی محتوای نشریه کمکمون کنی خوشحال می‌شیم و... بقیشو فعلاً نمی‌گم...

سردبیر

پیمان نامه

یا صاحب الزمان...

شهادت جد بزرگوارتان آقا امام حسین (ع) را
تسلیت عرض می‌کنم.

آقا جان! من می‌خواهم در ایام حزن انگیز
محرم،

- نمازم را اول وقت بخوانم...

- عزادار جدتان باشم و در مجالس
سخنرانی و روضه شرکت کنم...

- اهل ذکر باشم و در طول ماه‌های محرم
و صفر، صلوات بر رسول الله (ص) و سلام
بر سیدالشهداء (ع) را به نیت تعجیل در
ظهورتان فراموش نکنم...

- بیشتر از روزهای دیگر، مراقب اعمال و
رفتار و گفتارم باشم....

نام دوستدار شما:

امضاء



از طرح اسوه چه خبر؟

به روایت مدیر طرح



محمد تقی میرزاجانی

روزهای به یادماندنی

ممتاز نوجوان از سراسر کشور، برنامه‌ریزی آموزشی و اجرایی، همچنین اقدامات لازم در تعیین قراء ذی صلاح جهت عضویت در طرح، انجام شد.

این طرح در فاز اول، به مدت یک سال پیش‌بینی و در ۳ مرحله طراحی شد:

مرحله اول: ۴ هفته از ۲۶ مرداد تا ۲۲ شهریورماه در تهران (شرکت‌کنندگان، در هفته دوم این مرحله، تکالیف‌شان را در منزل دنبال کردند.)

مرحله دوم: زمستان ۹۳ در تهران، به مدت یک هفته

مرحله سوم: بهار ۹۴ در مشهد مقدس، به مدت یک هفته

در مرحله اول طرح، ۷۰ جلسه آموزشی در حوزه تخصصی تلاوت و ۴۰ جلسه در قالب طرح مسائل شرعی، عقیدتی و معرفتی تشکیل شد. لازم به ذکر است در دروسی که به صورت مستقیم با مقوله قرائت مربوط بودند، ۷ قطعه از آیات قرآن، محور کار قرار گرفت و از قبل هدف‌گذاری شده بود که در پایان چهار هفته آموزشی، قاری عزیز از زوایای مختلف از جمله حفظ، درک معنا، تدبر، تفسیر و... روی این قطعات مسلط شود.

طرح آموزش تخصصی قاریان ممتاز نوجوان قرآن کریم که با توجه به اهداف عالی طراحی شده در آن، اسوه نام گرفت با ۳۶ عضو منتخب، از ۱۹ استان کشور مرحله اول خود را پشت سر گذاشت. مرداد و شهریور امسال، روزهایی به یادماندنی را در فضایی صمیمی و علمی برای شرکت‌کنندگان و دست‌اندرکاران طرح، رقم زد. در این مجال مروری اجمالی خواهیم داشت به برگزاری این رویداد قرآنی. در راستای شناسایی، هدایت و پرورش نوجوانانی مستعد و نخبه در هنر پرفروغ قرائت، با هدف تربیت قهرمانان قرآنی، اجرای طرح آموزش تخصصی قاریان ممتاز نوجوان قرآن کریم «اسوه» برنامه‌ریزی شد.

در این دوره تخصصی، با یک برنامه‌ریزی جامع و با بهره‌گیری از آخرین دست‌آوردهای علمی و فنی و بهره‌مندی از اساتید مجرب، تلاش شد تا شرایط مناسبی جهت رشد و شکوفایی استعدادهای ناب قرآنی فراهم گردد و با تربیت قاریانی برجسته از حیث فنی و شخصیتی و با مشی انقلابی، گامی جدی در معرفی الگوهای قرآنی به جامعه ایران اسلامی و جامعه جهانی برداشته شود.

پس از برگزاری جلسات کارشناسی و تصویب اجرای طرح اسوه در کارگروه قرآن بنیاد فرهنگی خاتم الاوصیاء (عج) در زمستان ۹۲ و اتخاذ تصمیم به منظور آموزش علمی، مهارتی و تربیتی تعدادی از قراء



پُر واضح است، اجرای طرحی با این ابعاد، مستلزم فراهم شدن یک سری مقدمات و تدارکات وسیع بوده که ضامن توفیق در اجرای این طرح است. طرح اُسوه در چارچوب هدف‌گذاری انجام شده، زمانی به موفقیت کامل می‌رسد که این لوازم پیش‌بینی شده باشد.

بحمدالله این مهم با هوشمندی تصمیم‌گیران طرح در کارگروه قرآن بنیاد فرهنگی خاتم الاوصیاء (عج) همچنین برنامه‌ریزی، طراحی و تدبیر دقیق کار و به کارگیری یک تیم اجرایی ورزیده جهت عملیاتی کردن آن، فراهم شد.

در این شماره، طرح اسوه را بیشتر در قاب تصاویر به نظاره خواهیم نشست و در شماره بعدی، به جزئیات بیشتری از آن خواهیم پرداخت.

در این دوره، از ۲۰ استاد برجسته با خصوصیات شخصیتی ممتاز، به صورت مستمر یا مقطعی استفاده شد.

دو نفر از روحانیون محترم هم به صورت شبانه روز، در طول دوره به عنوان مشاورین تربیتی، حضوری مثرترم داشته‌اند.

برگزاری هفت نوبت کرسی تلاوت قرآن، ضبط تلاوت و اذان از قراء شرکت‌کننده برای صدا و سیما، همچنین اردوهای سیاحتی و زیارتی و برنامه‌های ورزشی، در این دوره پیش‌بینی و اجرا شد.

آن چه از ابتدا در ذهن طراحان اُسوه، به عنوان یک اصل در اجرای این طرح نقش بست، ضرورت استمرار ارتباط هدفمند با قراء بود. این استمرار، هم شامل یک بازه زمانی ۳ تا ۵ ساله و تا زمانی است که ایشان به ثبات شخصیتی برسند و هم شامل فواصل بین ۳ دوره پیش‌بینی شده طی برنامه ۱ ساله اخیر. از این رو پیش‌بینی شد که برقراری این ارتباط، پس از پایان مرحله اول و تا آغاز مرحله دوم در اواخر زمستان، به چند طریق انجام شود:

- (الف) مشاوره تلفنی با قراء در حوزه مسائل اعتقادی و فنی تلاوت
- (ب) طبع و نشر چند عنوان نشریه و ارسال برای قراء، اولیاء و اساتید ایشان، امام جماعت مسجد محل و مدیر مدرسه قاریان
- (ج) مشاوره و هم‌اندیشی تلفنی با اولیای قراء
- (د) ارسال پیامک‌های محتوایی

شرکت کنندگان در طرح



آقای مهدی اسماعیلی (کرمانشاه)



آقای امیر حسین انواری (یزد)



آقای سالار اکبرزاده (اردبیل)



آقای محمدمین بختیاری (سیستان و بلوچستان)



آقای سعید باقری (آذربایجان شرقی)



آقای مصطفی الوانی (خراسان جنوبی)



آقای سیدطه حسینی (بوشهر)



آقای محمدمهدی بیگی (تهران)



آقای محمد صالح بنایی (قزوین)



آقای محمد مهدی حکمت (ایلام)



آقای سید محمد حسینی پور (سمنان)



آقای احسان جعفری (مرکزی)



آقای محمد حسین رفیعی (تهران)



آقای مهدی حیدری (زنجان)



آقای امیر حسین حیدری (تهران)



آقای موسی الرضا سعیدی (خراسان رضوی)



آقای سید حمیدرضا رضوی (خراسان رضوی)



آقای امیر حسین رحمتی (گلستان)



آقای محمدمهدی سلیمی (تهران)



آقای علیرضا سلیمی (قم)



آقای محمدرضا زاهدی (تهران)



آقای مهدی شیروی (اصفهان)



آقای حامد شیبانی (خراسان شمالی)



آقای محمد هادی ساجدی (گیلان)



آقای سجاد عزیزاللهی (تهران)



آقای محمد عابدی (البرز)



آقای رضا صفدری (سیستان و بلوچستان)



آقای امیر محمد قربانی (خراسان رضوی)



آقای علی اصغر قربانی (سیستان و بلوچستان)



آقای مهدی عبرتی (گیلان)



آقای محمدسجاد محمدی (تهران)



آقای محمد حسین محمد کرمی (اهلام)



آقای علیرضا لطفی (بوشهر)



آقای محمد یوسفی (زنجان)



آقای امیر علی یادگاری (تهران)



آقای محمد نوروزی (اردبیل)





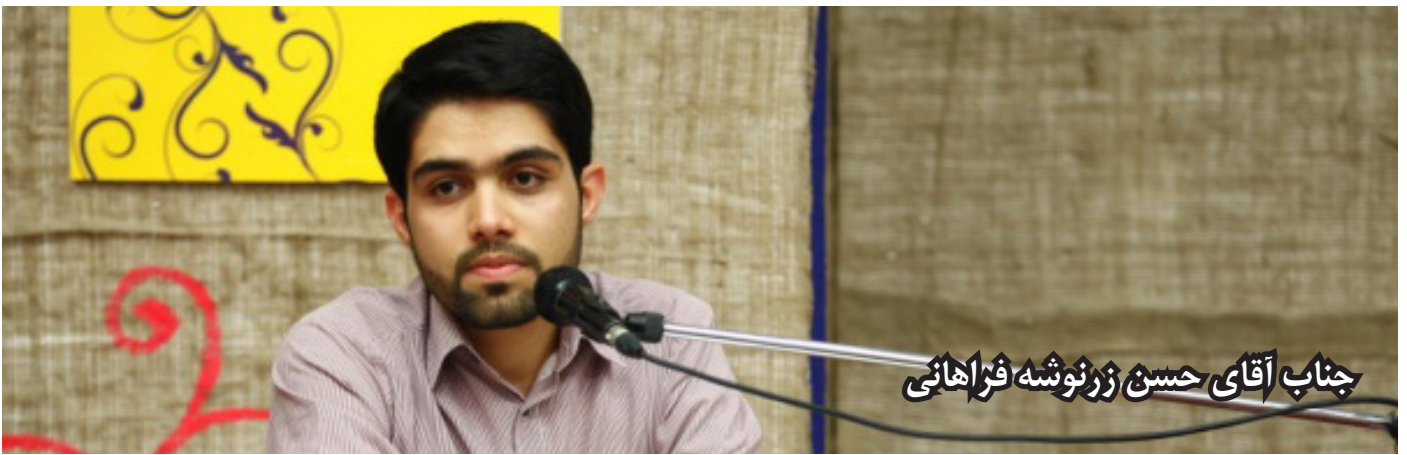
جناب آقای دکتر کریم دولتی



جناب آقای دکتر نصرت اللہ عارف حسینی



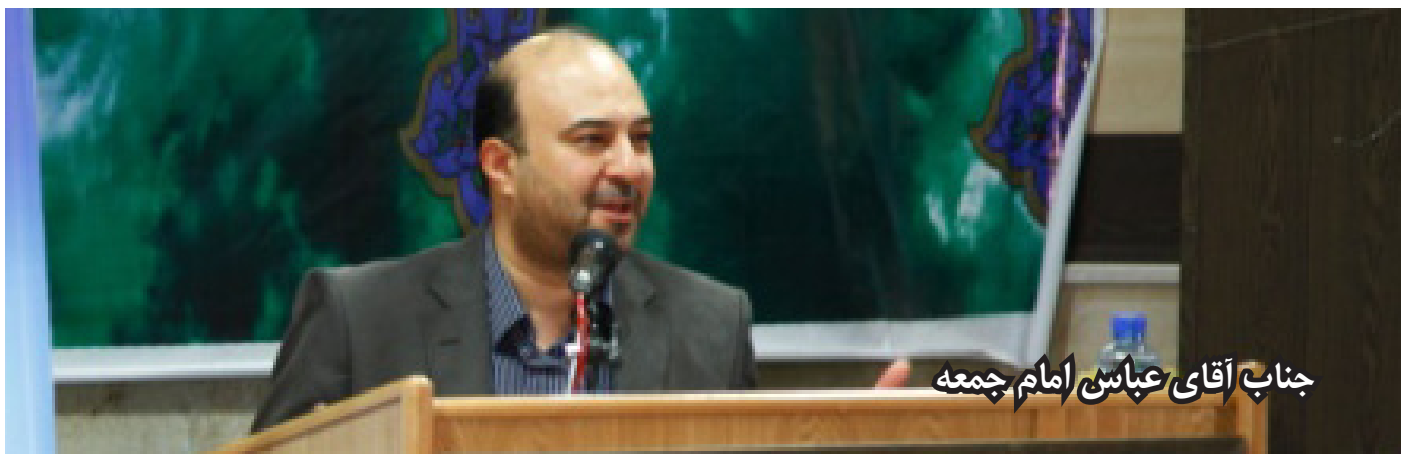
جناب آقای سعید حاجیان



جناب آقای حسن زر نوشہ فراہانی



جناب آقای ابوالفضل علامی



جناب آقای عباسی امام جمعه



جناب آقای دکتر محمدحسین سعیدیان



جناب آقای غلامرضا شاه میوه



جناب آقای محمد حسین سبزعلی



جناب آقای امین پویا



جناب آقای محمد حسین فریدوئی



جناب آقای دکتر سعید رحمانی





اعتقادات

تو کیستی؟؟؟

تو خدای منی...

خداوند بی‌نهایت است و بی‌مکان و بی‌زمان
اما به قدر فهم تو کوچک می‌شود
و به قدر نیاز تو فرود می‌آید
و به قدر آرزوی تو گسترده می‌شود
و به قدر ایمان تو کارگشا می‌شود
و به قدر نخ‌پیرزن دوزنده، باریک می‌شود
پدر می‌شود یتیمان را و مادر
برادر می‌شود محتاجان برادری را
همسر می‌شود بی‌همسران را
طفل می‌شود عقیمان را
امید می‌شود ناامیدان را
راه می‌شود گمگشتگان را
نور می‌شود در تاریکی ماندگان را
شمشیر می‌شود رزمندگان را
عصا می‌شود پیران را
عشق می‌شود محتاجان به عشق را
خداوند همه چیز می‌شود همه کس را.

به شرط اعتقاد،
به شرط پاکی دل،
به شرط طهارت روح،
به شرط پرهیز از معامله با ابلیس
بشوید قلب‌هایتان را از هر احساس ناروا
و مغزهایتان را از هر اندیشه خلاف
و زبان‌هایتان را از هر گفتار ناپاک
و دست‌هایتان را از هر آلودگی
... و بپرهیزید از ناجوان‌مردی‌ها، ناراستی‌ها، نامردمی‌ها!
چنین کنید تا ببینید خداوند چگونه؛
بر سر سفره شما با کاسه خوراک و تکه‌ای نان می‌نشیند
در دکان شما، کفه‌های ترازوی‌تان را میزان می‌کند
و در کوچه‌های خلوت شب با شما آواز می‌خواند....
مگر شما از زندگی چه می‌خواهید که در خدایی خدا یافت
نمی‌شود؟!

حکیم ملاًصدرای شیرازی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شکر

یک شب مردی خواب عجیبی دید. او خواب دید که نزدیک فرشته‌ها شده و به کارهای آن‌ها نگاه می‌کند. هنگام ورود، دسته بزرگی از فرشتگان را دید که سخت مشغول کارند و تندتند نامه‌هایی را که توسط پیک‌ها از زمین می‌رسند، باز می‌کنند و آن‌ها را داخل جعبه می‌گذارند.

مرد از فرشته‌ای پرسید: «شما دارید چه کار می‌کنید؟» فرشته در حالی که داشت نامه‌ای را باز می‌کرد، گفت: «اینجا بخش دریافت است و ما دعاها و تقاضاهای مردم از خداوند را تحویل می‌گیریم». مرد کمی جلوتر رفت، باز دسته بزرگ دیگری از فرشته‌ها را دید که کاغذهایی را داخل پاکت می‌کنند و آن‌ها را توسط پیک‌هایی به زمین می‌فرستند.

مرد پرسید: «شماها چه کار می‌کنید؟» یکی از فرشتگان گفت: «اینجا بخش ارسال است. ما الطاف و رحمت‌های خداوند را برای بندگان به زمین می‌فرستیم». مرد کمی جلوتر رفت و یک فرشته را دید که بیکار نشسته است. با تعجب پرسید: «شما این‌جا چه کار می‌کنید و چرا بی‌کارید؟» فرشته جواب داد: «این‌جا بخش تصدیق، ثبت و ضبط جواب است. مردمی که دعاهای‌شان مستجاب شده، باید جواب بفرستند؛ ولی عده بسیار کمی جواب می‌دهند.» مرد پرسید: «مردم چگونه می‌توانند جواب بفرستند؟»، فرشته گفت: «بسیار ساده است؛ فقط خدا را شکر کنند!!!»



استاد مغز ندارد!!!

دانشجویی سر کلاس فلسفه نشسته بود. موضوع درس درباره خدا بود. استاد پرسید: «آیا در این کلاس کسی هست که صدای خدا را شنیده باشد؟» کسی پاسخ نداد. استاد دوباره پرسید: «آیا کسی در این کلاس هست که خدا را لمس کرده باشد؟» دوباره کسی پاسخ نداد.

استاد برای سومین بار پرسید: «آیا در این کلاس کسی هست خدا را دیده باشد؟» کسی پاسخ نداد. استاد با قاطعیت تمام گفت: «پس خدا وجود ندارد!»

دانشجویی که با استدلال استاد موافق نبود، اجازه خواست تا صحبت کند. استاد اجازه داد. دانشجو از جایش برخاست و از هم‌کلاسی‌هایش پرسید:

«آیا در این کلاس کسی هست که صدای مغز استاد را شنیده باشد؟» همه سکوت کردند.

«آیا در این کلاس کسی هست که مغز استاد را لمس کرده باشد؟» کسی پاسخ نداد...

«آیا در این کلاس کسی هست که مغز استاد را دیده باشد؟» وقتی برای بار سوم کسی پاسخ نداد،

دانشجو با قاطعیت تمام گفت: «با این وصف، استاد مغز ندارد!!!»

با کاروان حسینی

دوران کودکی و نوجوانی امام حسین (ع) لبریز از آموزه‌های اخلاقی، تربیتی و فضیلت‌های انسانی است. خواندن، شنیدن و مطالعه‌ی نحوه‌ی ارتباط و رفتار رسول خدا (ص) با ایشان در آن دوران، بسی جذاب و شیرین است.

محبوب رسول خدا (ص)^۱

رسول اکرم (ص) نه تنها به وجود امام حسین (ع) به شدت عشق می‌ورزید؛ بلکه به کودکانی هم که با آن حضرت بازی می‌کردند و مهر و علاقه به امام حسین (ع) نشان می‌دادند، محبت می‌کرد و آن‌ها را نیز گرامی می‌داشت.

آن حضرت، روزی با گروهی از یاران خود از مسیری عبور می‌کرد، عده‌ای از کودکان در آن مسیر با هم‌دیگر بازی می‌کردند. رسول خدا (ص) نزدیکی از آنان رفت و او را نوازش کرد و پیشانی‌اش را بوسید، کودک را در بغل گرفت و بسیار با وی مهربانی کرد. از رسول خدا (ص) سؤال شد: «ای رسول خدا! چرا این قدر به این کودک در میان سایر کودکان علاقه نشان می‌دهید؟» پیامبر فرمود: «این کودک با حسین من هم‌بازی است. روزی دیدم با حسین بازی می‌کند و خاک قدم حسین را توتیای چشمش می‌کند. من او را به علت دوست داشتن حسین، دوست می‌دارم. جبرئیل به من خبر داد که در واقعه کربلا، این کودک یکی از یاران وفادار حسینم خواهد بود.»

بوی سیب

امام حسین و برادرش امام حسن (علیهما السلام) در دوران کودکی، بیشتر اوقات خود را در کنار رسول خدا (ص) سپری می‌کردند. میان این پدر بزرگ مهربان و نوه‌های عزیزش، ارتباط عمیق عاطفی وجود داشت.

حضرت جبرئیل نیز به صورت‌های مختلف، نزد حضرت محمد (ص) حضور می‌یافت. روزی جبرئیل به شکل دحیه کلبی - که یکی از یاران زیبا صورت پیامبر بود - نزد رسول خدا (ص) آمد. آن دو کودک، مثل همیشه در اطراف پیامبر (ص) بازی می‌کردند. جبرئیل ناگهان با یک اشاره دست خود، یک سیب، یک انار و یک به از هوا گرفت و به حسن و حسین (ع) داد. آنان خوشحال از این که میوه‌های زیبا و بهشتی به دست‌شان رسیده است، نزد رسول خدا (ص) دویدند.

رسول خدا (ص) آن‌ها را گرفت و بعد از این که بویید، به آنان فرمود: «نزد مادرتان ببرید و قبل از آن به پدرتان نیز نشان دهید.» حسن و حسین (ع) به دستور رسول خدا (ص) نزد والدین خود آمدند و از آن میوه‌های بهشتی استفاده نکردند تا این که پیامبر به منزل آنان آمد و همگی از آن میوه‌ها خوردند. سال‌ها از آن استفاده می‌کردند، اما تمام نمی‌شد.

امام حسین (ع) در این باره فرمود: بعد از رحلت رسول خدا (ص) «آن میوه‌ها به حال خود بود تا این که مادرم فاطمه (سلام الله علیها) از دنیا رفت؛ پس از شهادت مادرم؛ انار گم شد و سیب و به همچنان در زمان حیات پدرم نزد ما بود. چون ایشان به شهادت رسید، به نیز گم شد و سیب نزد برادرم حسن (ع) بود تا بر اثر زهر به شهادت رسید. سپس نزد من هست تا الان که دشمن مرا در کربلا محاصره و آب را از من دریغ کرده است. امام سجاد (ع) در این باره فرمود: «من این سخن را اندکی پیش از شهادت پدرم از او شنیدم و چون پدرم به شهادت رسید، در قتلگاه، بوی آن سیب پیچید. اکنون بوی خوش بهشتی آن سیب از قبر آن حضرت به مشام می‌رسد. هر کس از پیروان ما که زائر قبر پدر شهیدم باشد و بخواهد آن بوی خوش را استشمام کند، باید سپیده دم و با خلوص نیت آن را بچوید.»

^۱ بحارالانوار، ج ۳۳، ص ۲۴۲



حس و حال عاشقی!

دوباره از خودت می‌پرسی: این اهداف چه هدف‌های با ارزشی بودند که ایشان، عزیزترین کسان خود را فدای آن کردند؟ و زود پاسخ می‌دهی: عمل به دستورات قرآن و عترت و احیای دین، هدف آن حضرت بوده... حالا وقتی من و تو، روز عاشورا خون توی رگ‌هامون می‌جوشه و حسینی و زینبی می‌شیم، وقتی سینه سپر می‌کنیم و می‌گیم مگه میشه آدم عاشق باشه و به عشقش فکر نکنه، آیا حاضریم عشقمون رو با عمل به دستورات امام حسین^(ع) به خدا ثابت کنیم؟

پدرها و پدربزرگ‌های ما وفای به عهد کردند. انشاءالله ما هم... حسینیه شلوغه. وقتی داریم برای حضرت قاسم و حضرت رقیه اشک می‌ریزیم و وقتی داریم برای حضرت عباس و حضرت علی‌اکبر سینه می‌زنیم، باز از خودمون می‌پرسیم ما چقدر به این بزرگواران نزدیک هستیم؟ چند روز بعد از عاشورا، «محرمی و عاشورایی» باقی می‌مونیم؟ در طول سال، چند بار «یا حسین» می‌گیم و به ندای «کیست مرا یاری کند» پاسخ میدیم؟

ما بچه شیعه‌ها وقتی محرم و صفر میاد، وقتی به چیزی توی دلمون می‌جوشه، به چیزی شبیه خون و غیرت، انشاءالله بقیه سال هم مواظبیم و کربلایی باقی می‌مونیم، با همون حس و حال عاشقی، یا حسین!

همه ما بچه شیعه‌ها وقتی ماه محرم و صفر میاد، به چیزی توی دلمون می‌جوشه. به چیزی شبیه خون، شبیه غیرت، شبیه... وقتی نام حسین^(ع) رو می‌بریم، دلمون می‌لرزه، چشامون پر اشک میشه، زیر لب می‌گیم «السلام علیک یا ابا عبدالله!»

تا حالا از خودمون پرسیدیم چرا؟ مگه میشه شب‌های محرم بگی «یا حسین» و این حس و حال بهت دست نده و این سؤال‌ها ردیف نشه رو ورقه ذهنت: چرا این ماه این قدر محترمه؟ چرا گریه برای امام حسین^(ع) این اندازه سفارش شده؟ چرا امام حسین^(ع) آن طور و آن گونه عمل کردند؟ چرا امام حسین^(ع) به فرموده خودشان، قتیل العَبْرَات (کشته اشک‌ها) هستند؟

با صدای «عمو عمو العَطَش» به خودت می‌آیی. به جمعیت نگاه می‌کنی و دوباره از خودت می‌پرسی: مگر نه این که هدف حضرت این بوده که ما همیشه دنباله روی اهداف ایشان باشیم؟ باز به چیزی توی درونت می‌گه: مگه باید غیر از این باشه!؟



معرفی نوجوانان کاروان حسینی

یکی از جلوه‌های باشکوه حرکت کاروان امام حسین^(ع)، حضور نوجوانان همراه ایشان است. با تعدادی از نوجوانانی که با این کاروان همراه بودند بیشتر آشنا می‌شویم:

◆ عون بن عبدالله

عون، فرزند حضرت زینب^(س) در کربلا و روز عاشورا، همراه مادرش حضور داشت. این نوجوان شجاع نزد دایی‌اش امام حسین^(ع) آمد و با اصرار مادرش، حضرت اجازه فرمود که به میدان برود. وی تعدادی از دشمنان را به هلاکت رساند و سرانجام به شهادت رسید. رَجَزی که در میدان جنگ می‌خواند، چنین بود: «اگر مرا نمی‌شناسید، من پسر عبدالله جعفرم همان که در بهشت با دو بال پرواز می‌کند.»

◆ محمد بن عبدالله

محمد بن عبدالله فرزند دیگر حضرت زینب^(س) نیز شجاعانه قدم به میدان گذاشت و خود را معرفی کرد و در یک نبرد سنگین، و به درک فرستادن تعدادی از دشمنان خدا، سرانجام به شهادت رسید.

◆ طفلان مسلم

محمد و ابراهیم، دو فرزند مسلم بن عقیل بودند که در حادثه کربلا اسیر شدند. ابن زیاد دستور داد آن دو را زندانی کردند. این دو نوجوان نابالغ، مدت یک سال در زندان بودند. سپس با کمک «مشکور»، پیرمرد زندان‌بان که دوست‌دار اهل‌بیت^(ع) بود، شبانه از زندان گریختند. شب به خانه زنی پناه بردند که شوهرش (حارث) در سپاه ابن‌زیاد بود. حارث، آن دو را کنار رود فرات برد و بی‌رحمانه سر از تنشان جدا کرد و پیکرشان را در فرات انداخت و سرهای آن دو را برای دریافت جایزه نزد ابن زیاد برد.

◆ عمرو بن جُناده انصاری

از شهیدان نوجوان کربلا است که پدرش در رکاب سیدالشهداء^(ع) شهید شد. او هنگامی که خواست به میدان برود، امام فرمود: «پدر این جوان شهید شده، شاید مادرش راضی نباشد که به میدان برود.» گفت: مادرم دستور داده که به میدان بروم و لباس جنگ بر من پوشانده است. او که ۹ یا ۱۱ ساله بود، به میدان رفت و رَجَز خواند و جنگید تا به شهادت رسید. نام او در زیارت ناحیه مقدسه آمده است.

◆ عبدالله بن حسن بن علی^(ع)

او نوجوانی ۱۱ ساله و فرزند امام حسن^(ع) بود که روز عاشورا وقتی دید سید الشهداء^(ع) بر زمین افتاده است، برای دفاع از عموی مظلومش به سوی میدان رفت و جنگید. نقل کرده‌اند، حرمله با شمشیر، دست او را که در آغوش عمویش حسین^(ع) قرار گرفته بود، برید و همان‌جا به شهادت رساند.

◆ عبدالله بن مسلم

عبدالله، فرزند مسلم بن عقیل، نوجوانی بود که همراه دایی و مادرش در کربلا حضور داشت. مادر او رقیه، دختر علی (ع) است. عبدالله در روز عاشورا، با اجازه امام حسین (ع) به میدان نبرد رفت و این رجز را خواند: «امروز پدرم مسلم و جوانانی را که در راه دین رسول خدا شهید شده‌اند، ملاقات می‌کنم.»

عبدالله شماری از مردان جنگی دشمن را در سه مرحله حمله، از پای درآورد و سرانجام به دست عمرو بن صبیح صیداوی و اسد بن مالک به شهادت رسید.

◆ محمد بن مسلم

نوجوانی ۱۲ یا ۱۳ ساله بود که روز عاشورا در کربلا با امام حسین (ع) شهید شد. پس از شهادت عبدالله بن مسلم، جوانان بنی‌هاشم به طور دسته‌جمعی بر دشمن حمله کردند. امام حسین (ع) آنان را از حمله گروهی بازداشت و با صدایی رسا فرمود: «ای پسرعموهای من! برای مرگ، شکیبا باشید» جوانان، دست از حمله برداشتند و بازگشتند، ولی در این فاصله، محمد بن مسلم (فرزند دیگر مسلم بن عقیل) به دست ابومرهم ازدی و لقیط بن ایاس جُهَنی به شهادت رسید.



دو پیام از نوجوانان کاروان حسینی

۱. رعایت ادب و توجه به جایگاه بزرگتر

تمام نوجوانان حاضر در کربلا، هنگامی که قصد رفتن به میدان را داشتند، نزد امام حسین (ع) آمدند و از ایشان اجازه گرفتند.

ما یاد می‌گیریم که:

- همواره و در تمامی لحظات باید به بزرگتر از خود احترام گذاشت.
- در انجام کارها به ویژه کارهای مهم باید به بزرگترها اطلاع بدهیم.
- در انجام کارها، نسبت به بزرگترها پیش‌دستی نکنیم و پشت سر ایشان حرکت نکنیم.

۲. توجه به نماز و ارتباط با خدا

کودکان و نوجوانان عاشورایی در سخت‌ترین لحظات، نماز به‌جای آوردند. فرزندان مسلم پیش از شهادت، از قاتل خود درخواست کردند که نماز بخوانند. هنگامی که او اجازه داد، وضو گرفتند، دو رکعت نماز به‌جای آوردند و با خدا مناجات کردند.

ما یاد می‌گیریم که:

- هیچ‌گاه نماز را ترک نکنیم.
- نماز، بهترین راه ارتباط با خداست.
- نماز در مشکلات، موجب آرامش خاطر و مایه صبوری و بردباری است.

راستی آیا کودکان کربلا،

تکلیفشان تنها

دایماً تکرار مشق آب! آب! مشق بابا آب بود؟

قرآن

قرآن و آمار

در مورد سوره‌ها

مُعَوِّذَتَيْن: سوره ناس و فلق
 زَهْرَوَان: سوره‌های بقره و آل عمران
 قُرْنَتَيْن: سوره‌های انفال و توبه
 سبع الطوال: هفت سوره بلند قرآن شامل: بقره، آل عمران، نساء، اعراف، انعام، مائده و دو سوره انفال و توبه (که به عنوان یک سوره شمرده شده‌اند).
 مسبحات: سوره‌هایی که با سَبَّحَ یا يُسَبِّحُ شروع می‌شوند:
 اسراء، حدید، حشر، صف، جمعه، تغابن، اعلی
 حوامیم: هفت سوره از سوره ۴۰ تا ۴۶ قرآن مجید:
 غافر، فصلت، شوری، زخرف، دخان، جاثیه و احقاف
 چهار قل: سوره‌های کافرون، توحید، فلق و ناس
 طواسین: سوره‌های شعراء، نمل و قصص
 بساتین: سوره‌هایی که با { الف . لام . میم . را } آغاز می‌شوند
 سوره معروف به دبابیج: سوره آل عمران
 سوره معروف به عقود: سوره مائده
 سوره معروف به بدر: سوره انفال
 سوره معروف به برائت: سوره توبه
 سوره معروف به هل اتی: سوره دهر
 سوره معروف به بنی اسرائیل: سوره اسراء
 سوره معروف به کلیم: سوره طه
 سوره معروف به جامعه: سوره شعراء
 سوره معروف به سلیمان: سوره نمل
 سوره معروف به مضاجع: سوره سجده
 سوره معروف به ملائکه: سوره فاطر
 سوره معروف به غرف: سوره زمر
 سوره معروف به غافر: سوره مؤمن
 سوره معروف به مصابیح: سوره فصلت
 سوره معروف به شریعت: سوره جاثیه
 سوره معروف به قتال: سوره محمد(ص)

قرآن مجید مشتمل بر چند بسم الله الرحمن الرحیم است: ۱۱۴
 قرآن مجید مشتمل بر چند بسم الله است: ۱۱۵
 قرآن مجید مشتمل بر چند سوره است: ۱۱۴
 قرآن مجید مشتمل بر چند سوره مکی است: ۸۶
 قرآن مجید مشتمل بر چند آیه است: ۶۲۳۶
 قرآن مجید مشتمل بر چند حزب است: ۱۲۰
 قرآن مجید مشتمل بر چند کلمه است: ۷۷۴۳۷
 قرآن مجید مشتمل بر چند حرف است؟ ۳۲۳۶۷۱
 قرآن مجید مشتمل بر چند رکوع است؟ حدود ۱۰۰۰
 قرآن مجید مشتمل بر چند سوره با حروف مقطعه است؟ ۲۹

...ترین‌های قرآنی

بزرگترین سوره قرآن، کدام سوره است؟ سوره بقره
 بزرگترین آیه قرآن، کدام آیه است؟ آیه ۲۸۲ سوره بقره
 بزرگترین کلمه قرآن، کدام است؟ «فَأَسْقِينَاكُمُوهُ» حجر آیه ۲۲
 کوچکترین سوره قرآن کدام سوره است؟ سوره کوثر
 کوچکترین آیه قرآن کدام آیه است؟ «مدهامتان» الرحمن آیه ۶۴
 کوچکترین کلمه قرآن کدام است؟ ق، ص
 کلمه وسط قرآن چیست؟ «وَلْيَتَلَطَّفْ» سوره کهف آیه ۱۹
 اولین سوره قرآن مجید کدام سوره است؟ سوره حمد
 اولین سوره نازل شده کدام سوره است؟ سوره علق
 اولین آیه نازل شده: «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ» علق آیه ۱
 آخرین سوره قرآن مجید کدام سوره است؟ سوره ناس
 آخرین سوره نازل شده بر پیامبر کدام سوره است؟ سوره نصر
 آخرین آیه نازل شده بر پیامبر کدام آیه است؟ آیه ۲۸۱ سوره بقره

همراه با ستارگان آسمان قرائت قرآن، استاد محمد رفعت

صاحب صدای خاشع



که به شیوه آن مرحوم تلاوت می‌کند و بسیاری از فنون و رموز قرائت را از وی تلمذ کرده است.

ایشان در مورد استاد رفعت چنین می‌گویند:

«در حالی که استاد در قید حیات نیست ولی همان‌طور که در زمان حیاتش از وی جدا نبودم هم‌اینک نیز که سال‌ها از رحلتش می‌گذرد از وی جدا نیستم.»

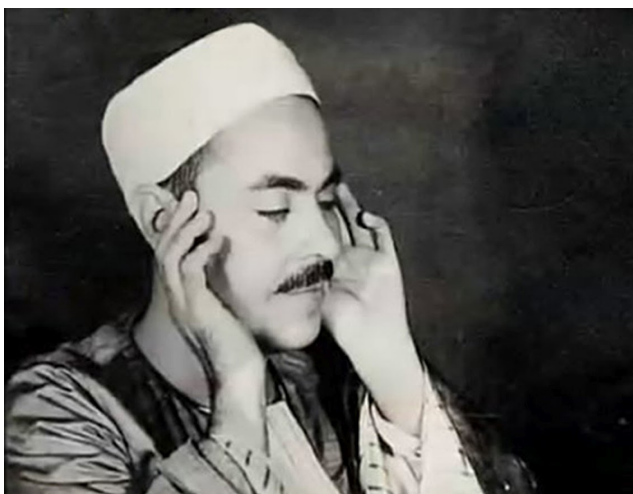
شیخ احمد الرزیقی که از قاریان معروف عصر حاضر است درباره استاد رفعت چنین اظهار می‌دارد:

«مرحوم شیخ رفعت در قرائات تبحری کامل داشت، در علم وقف و ابتدا مسلط بوده و خداوند در صوت ملکوتی وی نعمتش را به کمال رسانده و نیز به او شناخت مقامات و الحان قرائت را عطا کرده بود. چنان که استاد آیه‌ای را در مورد وعده‌ها و توصیف بهشت تلاوت می‌کرد، در آن آیه نغمه و آهنگی را انتخاب می‌نمود که شنونده کیفیت بهشت را می‌توانست تجسم نماید. و یا اگر آیه‌ای را در مورد عذاب تلاوت می‌کرد، با انتخاب الحان مناسب، شدت عذاب و آتش جهنم را به مستمع می‌فهماند.»

از ویژگی‌های بارز تلاوت شیخ محمد رفعت، خشوع و حزن است که دل مستمع را منقلب و متوجه مفاهیم آیات می‌کند.

از مرحوم استاد رفعت، آثاری گران‌بها در قرائت و نیز اذان به یادگار مانده که نام و یادش را جاویدان نموده است.

مرحوم استاد شیخ محمد رفعت پس از عمری پربرکت در سن ۶۹ سالگی به سال ۱۳۶۹ هجری قمری (۱۳۲۶ شمسی) دعوت حق را لبیک گفت. از جمله تلاوت‌های معروف ایشان می‌توان به سوره‌های هود، کهف، یوسف و مریم اشاره نمود.



امام صادق^(ع) در تفسیر آیه: «و رتل القرآن ترتیلاً» فرمودند معنی «رتل القرآن» این است که با تأمل و تأنی بخوانید و با برخورد به هر آیه درنگ نمایید و با صوت نیکو بخوانید.

مرحوم استاد شیخ محمد رفعت، ملقب به امیرالقراء، از ستارگان پر فروغ علم قرائت و از نوابغ کم‌نظیر تلاوت قرآن کریم می‌باشد. وی حافظ قرآن، مسلط به انواع قرائات و مبتکر در خلق الحان و اصوات زیبای قرآنی است که قرائت و لحنش، موجب تحسین و شگفتی شد.

وی در قرائت قرآن اسلوبی منحصر به فرد داشت و به واسطه نبوغ ذاتیش در خلق اصوات و تسلط به تجوید و قدرت ادای حروف و مهارت در وقوف آیات الهی، همواره در بین مشاهیر قراء قرآن ممتاز بوده است.

استاد رفعت در سال ۱۳۰۰ هجری قمری در قاهره متولد شد و بیش از ۶ سال نداشت که به واسطه بیماری شدیدی بینایی خود را از دست داد و برای همیشه از این نعمت محروم شد.

پدرش شیخ محمود رفعت، مشوق وی به فراگیری قرآن بود و او را نزد استاد شیخ «حماده» جهت فراگیری علوم قرائت و حفظ قرآن کریم روانه کرد تا این که به واسطه نبوغش در این علم و فن، پیشرفت چشمگیری نمود.

استاد رفعت در ۳۰ سالگی به اوج شهرت رسید تا آن‌جا که در مسجد قاهره جمعیت زیادی از نقاط مختلف گرد آمده و صوت تلاوت وی را می‌شنیدند. در نمازهای جمعه و سایر مراسم نیز چنان مردم مشتاق را به صوت ملکوتیش جلب کرده بود که آنان گذشت زمان را حس نکرده و با هیجان، استاد را تشویق می‌کردند.

یکی از نشریات هم‌عصر استاد به نام «کل شیء» در یکی از شماره‌های خود می‌نویسد: در روزهای سه‌شنبه و جمعه هر هفته، وقتی ساعت به ۹ می‌رسید، در محلی که جلسه قرآن استاد محمد رفعت تشکیل می‌شد، انبوهی از جمعیت در مسجد جمع می‌شدند و این در حالی بود که تلاوت استاد در این مسجد به طور مستقیم از رادیو قاهره برای سراسر کشور پخش می‌گردید و همگان می‌توانستند از صوت دلنشین استاد استفاده نمایند.

مشهور است که در اواخر عمر و حیات پرثمر شیخ رفعت، رادیوی بریتانیا، تلاوت «سوره هود» این قاری بزرگ را در مسجدی که جمع کثیری از مردم حضور داشتند ضبط کرده است و این نوار هم‌اینک از مفاخر موزه بریتانیا محسوب می‌شود.

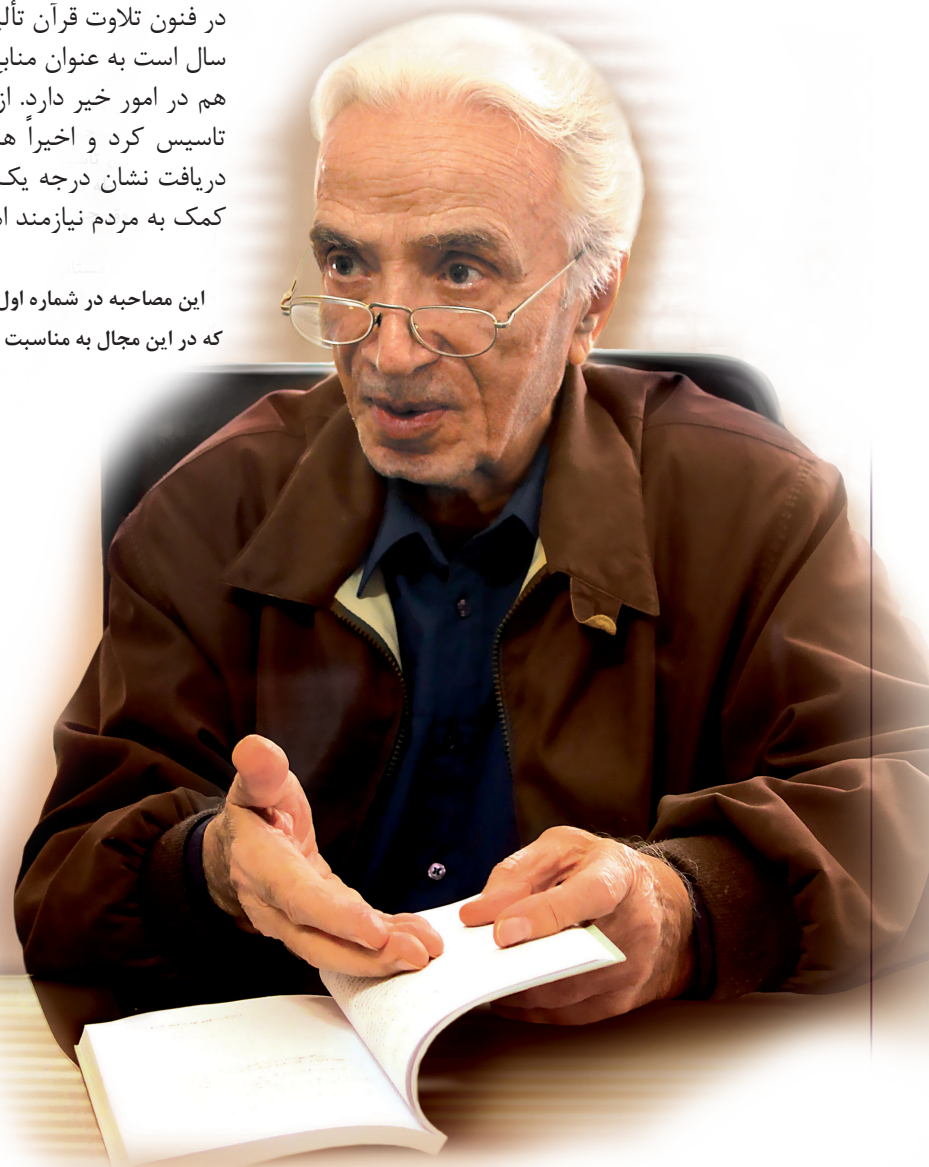
همچنین مرحوم استاد رفعت، قصارالسور را در ۱۴ روایت، قرائت کرده که توسط رایو مصر ضبط شده است.

از میان شیفتگان صوت استاد رفعت، استاد ابوالعینین شعیب بود

آرزو دارم از خادمین قرآن باشم

مگر می‌شود از یک قاری پیشکسوت یا حتی جوان تهرانی در مورد اساتیدش سوال کنید و نام استاد مولایی در میان اساتید یا استاد اساتیدش نباشد؟ به غیر از تهرانی‌ها قاریان شهرستانی بسیاری هم بوده‌اند که بعضاً ساعت‌ها وقت می‌گذاشتند تا با امکانات زمان قدیم، خود را به تهران رسانده و چند ساعت در محضر استاد مولایی باشند. نام استاد ابراهیم پورفرزب یا همان مولایی اما به غیر از جامعه قاریان، در جامعه دانشگاهی هم مطرح است. او در کنار اداره جلسات سنتی قرآن، چندین کتاب در فنون تلاوت قرآن تألیف کرده که برخی از این کتب چندین سال است به عنوان منابع دانشگاهی تدریس می‌شود. او دستی هم در امور خیر دارد. از سال‌ها پیش صندوق قرض‌الحسنه‌ای تاسیس کرد و اخیراً هم هدیه قابل توجه خود را به واسطه دریافت نشان درجه یک فرهنگ و هنر، به این صندوق جهت کمک به مردم نیازمند اهدا نموده است.

این مصاحبه در شماره اول نشریه شورای عالی قرآن به چاپ رسیده بود که در این مجال به مناسبت درگذشت این استاد گرانقدر باز نشر می‌شود. روحش شاد و یادش گرامی



۱۳۹۱ / فروردین

جناب استاد لطفاً خودتان را معرفی بفرمایید.

من ابرهیم پور فرزیب متولد ۱۳۰۶ در محله سنگلج تهران هستم. لیسانس ادبیاتم را از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران گرفتم. در حال حاضر نیز مدیر عامل صندوق قرض الحسنه نیکان هستم. البته در بین جامعه قرآنی و قاریان، بنده به عنوان مولایی شناخته شده‌ام. چرا که از همان ابتدا مرا با نام خانوادگی مادرم صدا می‌زدند تا این‌که برادرم برای ما شناسنامه گرفت و در نهایت فامیلی پورفرزیب را برای ما برگزید.

اگر بخواهید از میان اساتیدتان یک نفر را نام ببرید، آن یک نفر کدام است؟

استاد بزرگوارم جناب مرحوم مازندرانی بودند. ایشان در امر تعلیم و آموزش قرآن کریم به شاگردانش بسیار سخت گیر بود. بنده سال‌ها در خدمت ایشان بودم و علوم بسیاری از ایشان فرا گرفتم. برخی اوقات که ایشان نمی‌توانستند به جلسه بیایند، مسئولیت اداره جلسه به من واگذار می‌شد و من به دیگر شاگردان استاد قرآن آموزش می‌دادم تا این‌که در سال ۱۳۲۷ به طور رسمی مجمع قاریان قرآن کریم را تشکیل دادیم و من از همان سال اداره کننده جلسات بودم. این جلسات شب‌های دوشنبه و صبح‌های جمعه برقرار بود و تا الان ادامه دارد.

آیا جلسه دیگری هم در سطح شهر داشتید؟

بله، من از قدیم هر سی شب ماه مبارک رمضان در مسجد شیخ فضل الله نوری واقع در ضلع جنوبی پارک شهر تهران جلسه قرآنی را برای عموم افراد برگزار می‌کردم که هنوز هم ادامه دارد. این جلسه در دو قسمت برگزار می‌شود که یکی تلاوت قرآن به شیوه حفص از عاصم بوده و در قسمت دیگر جلسه دوستان به روایت دیگری به جز حفص به تلاوت قرآن می‌پردازند. در مجموع این کلاس برای افراد بسیار مبتدی تا سطوح بالاتر برقرار می‌شود که بحمدالله نتایج بسیار خوبی داشته و از جلساتی که داشتیم قاریان زیادی تربیت شده‌اند.

در زندگی نامه آقای شهریار پرهیزکار می‌خوانیم که ایشان در جلسات شما قرآن را حفظ کردند.

ما یک زمانی تصمیم گرفتیم دوره‌های حفظ قرآن برگزار کنیم و از دوستان جلسه در خواست کردیم که برای حفظ قرآن ثبت‌نام کنند. اتفاقاً یکی از ثبت نام کنندگان هم آقای پرهیزکار بودند که ایشان حفظ قرآن را در این جلسه آغاز کردند. جالب است بدانید ما برای تشویق قرآن آموزان هدایایی به آن‌ها اهدا می‌کردیم که آقای پرهیزکار با پشتکاری که داشت بسیاری از این هدایا را دریافت می‌کرد.

از میان اساتید قرائت و قاریان بین المللی معاصر، کدام یک از شاگردان شما بوده اند؟

البته توجه داشته باشید که من هیچ وقت لفظ شاگرد را برای این افراد به کار نبردم. همه آن‌ها دوستان من هستند. از جمله آن‌ها می‌توانم به آقایان مستفید، سعیدیان، موسوی بلده، ابدی، کرمی و مروت اشاره کنم.

تلاوت با اختلاف قرائات و آموزش آن به قاریان ایرانی از چه زمانی آغاز شد؟

دوستان وقتی نوار قرائت قرآن قاریان مصری را گوش می‌دادند فکر می‌کردند که قاری قرآن را غلط می‌خواند ولی این از علوم قرائت بود که روی آیات پیاده می‌شد. آن‌ها نمی‌دانستند که علمی به نام اختلاف قرائت وجود دارد و قرآن به روش‌های مختلف و به روایت‌های مختلف خوانده می‌شود. از آن موقع بنده به تعلیم و تعلم این علم همت کردم و موفق شدم در این زمینه چندین کتاب تألیف کنم.

در ابتدا کتاب تهذیب القرائه در دو جلد نوشته شد که بعدها به صورت تک جلدی چاپ شد. از خصوصیات مهم این کتاب روش بسیار آسان تعلیم قرائت‌های مختلف است. پس از آن به درخواست دانشگاه تهران، کتاب تجوید جامع مفرده اول را به چاپ رساندم که تا کنون هفت مرتبه تجدید چاپ شده و یکی از منابع کتب درسی دانشگاهی می‌باشد. این سلسله مطالب به طور کامل‌تر در کتب تجوید جامع مفرده دوم که روایت‌های مدنیون شامل ابوجعفر و نافع را شامل می‌شود و مفرده سوم به روایت بصریون که ابوعمر و یعقوب را شامل می‌شود و مفرده چهارم به روایت مکیون که عاصم، حمزه، کسائی و خلف را شامل می‌شود، چاپ شده است.

به نظر شما تفاوت میان قاریان نسل پیشین مصر با قاریان کنونی چیست؟

سابقاً هر سال دو قاری از کشور مصر به طور داوطلب به کشورهای مختلف از جمله ایران سفر می‌کردند و به اجرای برنامه‌های گوناگون از جمله ابتهال، اذان، مناجات و تلاوت قرآن می‌پرداختند. جالب‌تر این که هر سال که به ایران می‌آمدند در جلسه قرآن ما هم شرکت می‌کردند که با حضور آن‌ها شور معنوی و خاصی در فضای جلسه ایجاد می‌شد. اما اکنون به نظر می‌رسد که آن روح معنوی موجود در تلاوت‌ها کم رنگ شده و قاریان به جای خشوع در هنگام تلاوت به اجرای الحان توجه می‌کنند و منتظر تشویق از سوی حاضرین هستند.

شما تلاوت کدام یک از اساتید مصری را می‌پسندید.

البته مصر قاریان بسیار خوبی دارد، ولی اگر بخواهیم از نظر تجویدی آن‌ها را مورد ارزیابی قرار دهیم، می‌بینیم که حتی خود شیخ مصطفی هم در برخی فرازها نکات تجویدی را رعایت نکرده است. به نظر بنده مرحوم شیخ خلیل الحصری مرتل بسیار خوبی است و خدش‌های به تجوید او وارد نیست.

از شما درخواست می‌کنیم در باب تلاوت قرآن چند توصیه بفرمایید.

بنده توصیه‌ام به برادران قرآنی این است که اول قرآن را خوب یاد بگیرند تا بدون غلط آن را تلاوت کنند و بعد در هنگام خواندن قرآن اول خدا و بعد از آن مجد و عظمت قرآن کریم را به یاد داشته باشند و همیشه با خشوع، قرآن تلاوت کنند. توجه داشته باشند که یکی از مهم‌ترین آداب تلاوت قرآن خشوع است که از ائمه معصومین (ع) هم در این موضوع بسیار نقل شده است.

فراموش نکنیم!

حواسمان باشد براساس آیات قرآن، کسی که به مردم اهانت کند و آن‌ها را مورد تمسخر و استهزاء قرار دهد، گناه بزرگی را مرتکب شده و باید در انتظار عواقب سوء و آثار بد آن باشد، زیرا هیچ عملی بدون بازتاب نخواهد بود.

فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ: (پس در آن روز) هر کس به قدر ذره‌ای کار نیک کرده آن را خواهد دید و هر کس به قدر ذره‌ای کار زشت مرتکب شده آن را خواهد دید.

خداوند در آیه ۱۰۸ سوره مبارکه مومنون، آن‌گاه که وخامت حال دوزخیان و کیفیت بازپرسی از آنان را ترسیم و تشریح می‌کند و به جزع و فزع آنان برای بیرون آمدن و نجات از عذاب دردناک و سوزان دوزخ اشاره می‌فرماید، با جمله «قَالَ احْسَبُوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُون: ای سگ‌ها دور شوید و با من سخن مگویید» به آن‌ها پاسخ می‌دهد و سپس می‌فرماید:

إِنَّهُ كَانَ قَرِيْبًا مِّنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ، فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سَخِرِيًّا حَتَّىٰ أَنْسَوَكُم ذِكْرِي وَكُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضْحَكُونَ، أَلَيْسَ جَزَاءَهُمَ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ: این شما بودید که وقتی گروهی از بندگان من می‌گفتند: «پروردگارا ما ایمان آورده‌ایم، ما را بیامرزد و بر ما ترحم فرما که تو بهترین رحم‌کنندگانی» آن‌ها را به باد مسخره گرفتید تا آن‌جا که مرا به کلی فراموش کرده بودید و تنها کارتان این بود که بر آن خداپرستان خنده می‌کردید. اما امروز من به آنان به خاطر صبر و استقامت‌شان پاداش (نیک) می‌دهم، که تنها آنان پیروز و رستگارانند.

این آیه قابل توجه کسانی است که مقدّسات یا افرادی که ظاهر مذهبی دارند را مسخره می‌کنند.

استهزاء نوعی عیب‌جویی است و سزاوار نیست انسان برای این‌که عده‌ای را بخنداند، مرتکب این گناه شود و دیگران را با این عمل تحقیر کند.

کسانی که مردم را مسخره می‌کنند به خود مغرورند و همین غرور و خودبینی آنان سبب می‌شود که دیگران را به چشم حقارت بنگرند و در نتیجه برای خود عذابی سخت و دردناک آماده کنند.

کلام را با سخنی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به پایان می‌بریم:

«إِنَّ الْمُسْتَهْزِئِينَ بِالتَّاسِ يَفْتَحُ لِأَحَدِهِمْ بَابَ مِنَ الْجَنَّةِ فَيَقَالُ هَلَمْ هَلَمْ فَيَجِيءُ بَكْرِبَهُ وَغَمَّهُ فَاذَا أَتَاهُ أَغْلَقَ دُونَهُ ثُمَّ يَفْتَحُ لَهُ بَابَ آخِرِ فَيَقَالُ هَلَمْ هَلَمْ فَيَجِيءُ بَكْرِبَهُ وَغَمَّهُ فَاذَا أَتَاهُ أَغْلَقَ دُونَهُ فَمَا يَزَالُ كَذَلِكَ حَتَّىٰ إِنَّ الرَّجُلَ لَيَفْتَحُ لَهُ الْبَابَ فَيَقَالُ لَهُ هَلَمْ هَلَمْ فَلَا يَأْتِيهِ:

در روز قیامت کسانی را که در دنیا مردم را مسخره می‌کردند می‌آورند و دری از بهشت به روی آنان می‌گشایند و به آن‌ها می‌گویند بیایید بیایید. آن‌ها با آن همه سختی و ناراحتی به پیش می‌آیند و همین که نزدیک در می‌رسند در به روی آن‌ها بسته می‌شود. سپس در دیگری به روی آن‌ها باز می‌شود و گفته می‌شود شتاب کنید شتاب کنید. این بار نیز آن‌ها با ناراحتی حرکت می‌کنند و همین که نزدیک این در می‌رسند، آن نیز بسته می‌شود و همین‌طور این کار تکرار می‌شود تا جایی که ناامید می‌شوند و سرانجام دیگر به سوی هیچ دری نمی‌روند.»

حواسمان باشد به جای این‌که همه‌ی چیزهای خوب را برای خودمان بخواهیم و لذت و خنده را در مسخره کردن دیگران جستجو کنیم، شایسته است که نسبت به رفتارمان تجدید نظر کرده و به شخصیت افراد احترام بگذاریم.

یک نکته مهم در قوانین آخرت

خداوند در آیه ۷۰ سوره مبارکه زمر می‌فرماید: «وَوَفَّيْتُ كُلَّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ: در روز قیامت برای هر کسی هر چه کرده، کاملاً پرداخت و برگردانده می‌شود.»

در ادامه می‌فرماید: «وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَا يَفْعَلُونَ: او به آن چه که آن‌ها کرده‌اند آگاه‌تر است.»

در آیه ۷ سوره مبارکه تحریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَعْتَذِرُوا الْيَوْمَ إِنَّمَّا تُجْرَوْنَ مَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ: ای کسانی که کفر ورزیده‌اید و با کفر از دنیا رفته‌اید، عذر نخواهید. امروز جای عذرخواهی نیست...»

تنها دنیا است که جای عذرخواهی است. وقتی من دارم در کوچه راه می‌روم، می‌توانم با خدا صحبت کنم. می‌توانم فارسی هم صحبت کنم. لازم نیست عربی صحبت کنم. مثلاً زمان خواب، که لحظاتی طول می‌کشد تا خوابم ببرد، می‌توانم آن‌جا با خدا صحبت کنم. همین عذرخواهی را آن‌جا بکنم، چون وقتی از دنیا بروم دیگر نمی‌پذیرند و عذرهای شنیده نمی‌شود. لذا می‌گویند «لَا تَعْتَذِرُوا الْيَوْمَ» امروز عذر نخواهید.

چرا این‌گونه است؟ «إِنَّمَا تُجْرَوْنَ مَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ: جز این نیست که شما بدان چه کرده‌اید مجازات می‌شوید.»

این‌جا و در این دنیا می‌گویند که اگر از چراغ قرمز عبور کنید، مثلاً پنجاه هزار تومان جریمه‌اش است. فردا صد هزار تومان، پس فردا بیشتر... اما در قیامت این‌گونه نیست. نه کم می‌کنند و نه زیاد. عین عمل ما را به ما تحویل می‌دهند. «إِنَّمَا تُجْرَوْنَ مَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» می‌فرماید: مَّا كُنْتُمْ یعنی آنچه که کرده‌اید را به شما می‌دهیم، نه چیز دیگری.

در آیه ۵۱ سوره مبارکه ابراهیم می‌فرماید: لِيَجْزِيَ اللَّهُ كُلَّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ خدای متعال این کارها را می‌کند تا هر کسی را به آن چه که کرده است جزا بدهد. در ادامه می‌فرماید: إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ: همانا خداوند اعمال بندگان را به سرعت محاسبه می‌کند.



استاد جهانبخش فرجی

مقدمه‌ای بر آموزش صوت بخش نخست

مقدمه

در بحث صوت و لحن هنر تلاوت؛ صوت به معنی صدایی است شناخته شده، ساخته شده و تثبیت شده و در نتیجه ممتاز. مبنای مبحث هنر معنوی و سمعی تلاوت قرآن مثل تمامی هنرهای خواندن، صوت ممتاز می‌باشد. اگر صوت نباشد مفهومی به نام خواندن شکل نمی‌گیرد و البته اگر استماعی هم صورت نپذیرد، باز هم صوت قابل ارائه در هنر خواندن، شکل نمی‌گیرد.

اگر در مبحث پایه‌ای صوت، دو قانون بسیار مهم زیر را در نظر بگیریم هرگز دارای یک صوت ممتاز و در نتیجه طنین و لحنی ممتاز نخواهیم شد؛

۱- تنفس دیافراگمی

۲- تمرکز بر دیافراگم در حین تلاوت

در داشتن صوت و لحنی قابل ارائه در تلاوت قرآن، استعداد خدادادی اولیه در داشتن طنینی قابل ارائه و نیز پردازش صوت و لحن توسط مغز و عصب‌های فرمان‌دهنده بر مجموعه دستگاه ایجادکننده صدا، نقش دارند. با تمرین درست می‌توان استعداد اولیه را شکوفا نمود و پردازش فکری را ارتقاء داد.

هدف روش ما، پرورش قاریان ممتاز با ساده‌ترین شیوه بوده و در این راه، مبنای ما بر تحسین و تشویق شاگردان است. ما معتقدیم که می‌توان با این روش استاندارد، قابل فهم برای همه و ساده و به‌کارگیری عنصر بسیار مهم تحسین، از افراد با استعداد کم صوتی و لحنی هم، یک قاری ممتاز ساخت. روایات زیادی از ائمه اطهار(ع) داریم که ارزش تعلیم و تعلم قرآن را تأکید فرموده‌اند، تا جایی که مقام افراد مأنوس با قرآن یعنی تلاوت کنندگان قرآن را بالاترین مقام در درگاه الهی معرفی نموده‌اند. این به شرطی است که ما صاحب قرآن و اهدافش از نزول قرآن را بشناسیم، قدر این دعوت الهی و فرصت طلایی را بدانیم و به آیات الهی عمل کنیم و متذکر واقعی باشیم. از تمامی اعمالی که این هنر الهی را دنیایی می‌کند دوری نموده و تنها برای رضایت حضرت حق و تلطیف قلوب مؤمنین تلاوت کنیم. چرا که معامله دنیایی با قرآن مثل ریا، شهرت و... سخط و خشم خداوند را به دنبال خواهد داشت.

فاکتورهای مهم در بخش صوت:

۱- طنین (از همه مهم‌تر است و بقیه فاکتورها هم باید در راستای اعتلای آن باشند)

۲- انعطاف

۳- گستره ارتفاع صدا (از بم تا اوج) و مهارت استفاده صحیح از این محدوده

تبصره: ما شدت یا قدرت صدا را جزء فاکتورهای مهم در صوت قرار نمی‌دهیم و در جای خود آن را تعریف خواهیم نمود.

تعریف طنین: در روش ما تعریف عمومی یا طنین تکلمی عبارت است از خروجی خدادادی و منحصر به فرد صدای هر شخص که به گوش ما می‌رسد و ما می‌توانیم بدون دیدن شخص تشخیص دهیم که صدا متعلق به کیست؛ اما در تعریف اختصاصی طنین برای هنر تلاوت باید گفت: طنین صوت خروجی هر قاری مجموعه‌ای است از فاکتورهای متافیزیکی یا خدادادی صدا مثل؛ حجم صدا، طول و ضخامت طناب‌های صوتی، اداء خاص مخارج حروف، قدرت پردازش فکری صدا، قدرت تحریر و حس و خشوع درونی قاری.

نکته اول: این طنین خروجی خدادادی را می‌توان با مراقبت و تمرین‌های فیزیکی ارتقاء داد و در مواقع نادری آن را با عشق وافر به تلاوت استاد الگو، تغییر داد. گاهی عشق به استاد مقلد و الگو آن قدر زیاد است که شاگرد به‌طور عجیبی با طنین و حسی بسیار شبیه استاد تلاوت می‌کند در حالی که تا قبل از تقلید، خط صدایی او با استاد بسیار تفاوت داشته است.

تعریف خط صدا در خواندن: خط صدای هر خواننده عبارت است از شباهت طنینی او به یک طنین تثبیت شده و مرجع. حجم صدا و قدرت ارائه تحریرها و ادای آکسان‌های خاص کلامی و از همه مهم‌تر حس تزریق شده در صدا از فاکتورهایی هستند که شباهت طنینی یا خط صدایی را برجسته می‌کنند. افرادی که قدرت تقلید بالایی دارند در تشخیص خط صدایی دلخواه خود دچار مشکل هستند و مرتباً در حال تغییر خط صدایی خود هستند. برعکس کسانی که قدرت تقلید کمی دارند به راحتی می‌توانند خط صدایی خاص خودشان را ارائه نمایند. عده‌ای هم هستند که با استعداد بالا در پردازش صدا و اعتماد به نفس بالا از زیبایی و دل‌نشینی طنین منحصر به فرد خود، قادرند خود، طنین تثبیت شده جدید (خط صدایی جدید) و مرجع شوند.

یادآور می‌شویم که در طنین تکلمی، افراد معمولی و تعلیم ندیده، بدون تمرین و تعلیم، یک طنین منحصر به فرد دارند، اما طنین افراد خواننده اغلب تمایل دارد به صدایی شبیه شود که آن را

مهمترین روشی است که تاکنون جایش در فضای تلاوت ما خالی بوده است.

به طور کلی تقلید صرفی که هنرمندان تقلید کار آن را ارائه می‌نمایند تمرکز بر فضای حنجره و دهان و خیشوم و دستگاه تکلم است. البته پردازش فکری تقلید هم استعدادیست که هرکسی آن را ندارد، اما اصل مهمش تمرکز بر حنجره و دهان و خیشوم و دستگاه تکلم است.

تعریف حجم صدا: حجم صدا یکی از فاکتورهای نهفته در طنین هر شخص است. فاکتوری که نمی‌توان به تنهایی به آن پرداخت. گاهی حجم زیاد یک طنین ممکن است آن طنین را از جذابیت خارج نماید و گاهی ممکن است که یک طنین کم حجم دل‌رباتر و جذاب‌تر از همان طنین با حجم زیاد باشد. پس حجم صدا فاکتوری نیست که جداگانه بررسی شود بلکه باید در کل طنین دیده شود.

اما برای مشخص شدن حجم صدا یک مثال را خدمتتان ارائه می‌نمایم.

دو گوینده در نظر بگیرید که هر دو با یک گستره ارتفاعی از صدا، متنی را با صدای معمولی و با دم و بازدم معمولی می‌خوانند. اما صدای یکی از آن‌ها حجم زیادی از فضای اطراف را اشغال می‌کند و صدای دومی حجم کمتری. گوش ما به راحتی قادر است این مشخصه را تشخیص دهد.

تعریف شدت صدا: شدت صدا که از جنس انرژی است عبارت است از مقدار انرژی که توسط نفس بازدم بر روی تارهای صوتی فرستاده شده تا شخص قاری بتواند در گستره صدایی خود مانورهای لحنی و انعطافی را انجام دهد. هر چه انرژی هوای بازدم بر روی تارهای صوتی زیادتر باشد، اوج و برد صدا بیشتر می‌شود. کنترل شدت صدا از مهمترین فاکتورهای یک صوت استاندارد و تثبیت شده است.

حال اگر شدت صدا باعث شود که حجم طبیعی و اولیه یک صدا تغییر یابد باید دانست که این شدت، شدت مناسب و کنترل شده‌ای نیست.

نکته مهم در شدت صدا کنترل آن است به طوریکه حجم صدا و در نتیجه طنین، دچار دگرگونی نشده و در گوش شنونده ایجاد داد و فریاد ننماید. در تنفس اشتباه، بطور معمول ما شدت کنترل نشده داریم.

شدت صدا به تنهایی ارزش نیست و تنها ابزار است در خدمت گستره صدا و طنین.

به‌طور ناخودآگاه، بهتر از بقیه می‌خواند. هرچند در این حالت هم، با طنین مرجع تفاوت‌هایی دارد که برای شنونده قابل تشخیص است. یکی از راه‌های شناسایی طنین‌های جدید در تلاوت، اعتماد نمودن به طنین‌های تکلمی است، هرچند ممکن است در حالت‌های نادر و اندکی، به علت‌هایی، طنین تکلمی فرد با طنین خوانندش متفاوت باشد. باید مطمئن بود که با تعلیم می‌توان ضعف طنین تکلمی را اگر هم وجود داشته باشد، در طنین نهایی جبران نمود.

نکته دوم: تمامی استعدادهای خدادادی در شکل دادن طنین هم‌چنین ساخته بودن علمی صدا و استفاده مطلوب از صدا، هیچ‌کدام به‌تنهایی دلیل بر داشتن یک طنین قابل ارائه در فضای تلاوت نیست. یعنی این‌که نباید تجزیه فاکتورهای صدا را در طنین نهایی در نظر گرفت بلکه طنین خروجی، مهم‌ترین فاکتور در صداست. برای نمونه اساتیدی هستند که گستره و انعطاف صدایی بالایی دارند، بدون خروج می‌خوانند، تحریرها را می‌شناسند و درست اجرا می‌کنند، اما طنین خروجی آن‌ها برای تلاوت یا خوانندگی ممتاز نیست.

نکته سوم: در مبحث اختصاصی طنین، هر طینینی که در فضای تلاوت ممتاز قرار گرفته، طنین طلایی برای جهان اسلام است و نباید بین این‌گونه طنین‌ها امتیازبندی نمود. هرچند در این بین طنین‌های پراحساس و طلایی هم وجود دارند که قدرت تأثیرگذاری بالایی داشته و مورد اقبال عموم مردم واقع می‌شوند مثل طنین استاد عبدالباسط.

نکته چهارم: خیلی از طنین‌های زیبا و ممتاز هستند که هم خوانندگان خوب و موفقی هستند، هم ابتهاج خوان‌های قهاری هستند اما هرگز با این طنین جا افتاده و قابل طرح نتوانستند قاریان مطرحی شوند.

پس باید مجدداً تأکید که؛ نمی‌توان بین طنین‌هایی که در فضای ممتاز تلاوت قرار گرفته‌اند رقابت ایجاد نمود و هنر الهی و خدادادی آن‌ها را به میدان مسابقه کشاند، بلکه باید با ظهور هر طنین ممتازی در فضای تلاوت، خدا را شکر نموده و در تقویت آن بکوشیم و این ودیعه الهی را برای فیض رساندن به جهان اسلام در جای جای دنیا مطرح کنیم.

نکته مهم در روش آموزشی ما این است که از همان ابتدا در پی تثبیت طنین منحصر به فرد هر شاگرد هستیم و فضای تقلید طینینی را از او دور می‌کنیم. به او اعتماد به نفس می‌دهیم که قادر است طینینی جدید در فضای تلاوت ایجاد نماید. این جدیدترین و

بخش چهارم:

احکام



Photo: Seyed Shahabuddin Vajedi
www.akkasemolman.ir

پرسش: آیا چرک زیر ناخن‌ها مانع صحیح بودن وضو است؟

پاسخ: مراجع تقلید در این زمینه می‌فرمایند: اگر زیر ناخن چرک جمع شده باشد، وضو اشکال ندارد، اما اگر ناخن را بگیرند، باید برای وضو گرفتن آن چرک را برطرف کنند. هم چنین اگر ناخن بیشتر از حد معمول بلند باشد، باید چرک زیر مقداری را که از اندازه‌ی معمول بلندتر است، برطرف نمایند.

پرسش: آیا لمس کردن اسم خدا بدون وضو اشکال دارد؟

پاسخ: مراجع بزرگوار تقلید می‌فرمایند: کسی که وضو ندارد، حرام است نام مبارک خداوند را به هر زبانی که نوشته شده باشد، لمس کند. بنابر این لمس کردن کلمات: خدا، خداوند (فارسی) و الله (عربی) و (God انگلیسی) و نظیر آن بدون وضو حرام است. هم چنین کسانی که نامشان عبدالله، حبیب‌الله، و مانند آن است، نمی‌توانند بدون وضو کلمه‌ی (الله) موجود در نام خود را لمس کنند و طبق احتیاط برخی از مراجع معظم تقلید، آرم جمهوری اسلامی نیز همان حکم کلمه‌ی (الله) را دارد. همچنین برخی از مراجع در مورد نام‌های مبارکی که احترام‌شان واجب است و بدون وضو رساندن جایی از بدن به آن‌ها جایز نیست، این‌گونه فرموده‌اند. آن نام‌ها عبارت است از:

۱. نام مبارک خداوند متعال و صفات مخصوص او، مانند کلمه‌ی رحمان.
۲. نام پیامبران و پیامبر عزیز اسلام، مانند آدم، ابراهیم، نوح، موسی، عیسی و محمد (علیهم افضل صلوات المصلین).
۳. کنیه و لقب‌های پیامبران مانند ابوالقاسم و امین که کنیه و لقب پیامبر بزرگوار اسلام (ص) است.
۴. نام امامان معصوم و حضرت زهرا، مانند علی، فاطمه، حسین و مهدی (علیهم السلام).
۵. کنیه و لقب‌های امامان معصوم (علیهم السلام)، مانند اباعبدالله و سیدالشهدا که کنیه و لقب امام حسین (ع) است.

پرسش: اخیراً در برخی از مجامع و هیأت‌های مذهبی کشور اشعاری سروده و خوانده می‌شود که در ضمن آن لفظ جلاله‌ی «الله» را به معصومان (علیهم السلام) نسبت می‌دهند، مثلاً گفته می‌شود: «من علی‌اللهی ام»، «من حسین‌اللهی ام»، «من زینب‌اللهی ام». آیا بیان این‌گونه اشعار از نظر شرعی جایز است؟

پاسخ: مراجع تقلید در این زمینه می‌فرمایند: این‌گونه تعابیر مناسب افراد معتقد به مکتب معصومین (علیهم السلام) نیست. برای بزرگداشت مقام آن بزرگواران، راه‌های خوب، سنجیده و معقولی وجود دارد که به این‌گونه سخنان نیازی نیست.

پرسش: گفته می‌شود اگر هنگام وضو گرفتن بیشتر از هفت قدم راه بروید و سپس سر را مسح کنید، وضوی شما باطل است، آیا این گفته صحیح است؟

پاسخ: عده‌ای از مراجع عظام تقلید می‌فرمایند: اگر انسان عمل شستن در وضو را تمام کند (شامل شستن صورت و دست‌ها) و پیش از مسح سر راه برود و راه رفتن او به مقداری باشد که پی در پی بودن اجزاء وضو را مخدوش نکند، وضو صحیح است و اندازه‌ی معینی برای راه رفتن وجود ندارد.

پرسش: در صورتی که در وضو یک بار سر یا پا را مسح کنیم، ولی آب، خوب روی سر یا پا را فرا نگیرد، تکلیف چیست؟

پاسخ: بعضی از مراجع بزرگوار تقلید می‌فرمایند: محل مسح شده را خشک می‌کنیم و دوباره مسح می‌نماییم و یا قسمتی از جای مسح را که خشک مانده، به مقدار لازم مسح می‌کنیم.

پرسش: آیا اگر کسی روی پای خود را دو بار مسح کند، وضوی او باطل می‌شود؟

پاسخ: بعضی از مراجع معظم تقلید در این باره می‌فرمایند، وضو باطل نیست و مسح دوم بی‌فایده است.

پرسش: در برخی از مواقع در وضوخانه‌های عمومی، مانند وضوخانه‌های مساجد یا ایستگاه‌های قطار، هنگامی که می‌خواهیم وضو بگیریم، آب وضوی اطرافیان روی صورت یا دست‌های مان می‌ریزد. در این صورت آیا وضوی ما اشکال پیدا نمی‌کند؟

پاسخ: عده‌ای از مراجع تقلید می‌فرمایند: اگر نیت کنیم که آب وضوی دیگران نیز جزو آب وضوی مان باشد، یعنی وضوی مان را با نیت مجموع آبی که در دست‌مان است (چه آبی که خودمان می‌ریزیم و چه آبی که از اطراف ریخته می‌شود) ادامه دهیم، اشکال ندارد و وضوی ما صحیح است. البته اگر آب وضوی دیگران روی جای مسح ریخته شود و به قدری تر باشد که رطوبت کف دست به آن اثر نکند، ابتدا باید جای مسح را خشک کرد و سپس مسح کشید.

بخش پنجم

دانستنی‌ها





حرف دل شیطون...

بعضی از مردم مثل توت‌اند؛ با اندک تکانی، بدون هیچ مقاومتی زود می‌افتند...
 بعضی دیگر مثل انارند؛ با تکان دادن نمی‌افتند و باید جلو رفت و آن‌ها را با دست چید...
 بعضی دیگر مثل گردو هستند؛ دم دست نیستند و با تکان دادن هم نمی‌افتند، باید با چوب توی سرشان زد تا بیفتند...
 بعضی دیگر هم مانند نارگیل هستند؛ نه با تکان دادن می‌افتند و نه با چوب زدن!!!

حساب بانکی

تصور کنید حساب بانکی‌ای دارید که هر روز مبلغ ۸۶/۴۰۰ تومان به آن واریز می‌شود و شما تا آخر شب فرصت دارید تا همه پول‌ها را خرج کنید، چون آخر وقت، حساب، خود به خود خالی می‌شود. در این صورت شما چه کار می‌کنید؟؟؟
 البته که سعی می‌کنید تا آخرین ریال آن را خرج کنید! اما آیا فکر کرده‌اید که هر کدام از ما چنین حساب بانکی داریم؛ «بانک زمان»...

هر روز صبح در بانک زمان ما ۸۶۴۰۰ ثانیه اعتبار زمانی واریز می‌شود و آخر شب این اعتبار به پایان می‌رسد. هیچ برگشتی نیست و هیچ مقداری از این زمان به فردا اضافه و منتقل نمی‌شود...

ارزش یک سال را دانش‌آموزی که مردود شده می‌داند، ارزش یک ماه را مادری که فرزندش را نارس به دنیا آورده، ارزش یک هفته را سردبیر یک هفته‌نامه، ارزش یک ساعت را کسی که جواب عمل جراحی حساس را یک ساعت بعد می‌شنود، ارزش نیم ساعت را کسی که از قطار جامانده، ارزش یک دقیقه را کسی که از صحنه تصادف، سالم جان به در برده...

هر لحظه گنج بزرگی است پس گنج‌تان را به آسانی از دست ندهید.

باز به خاطر داشته باشیم که زمان به خاطر هیچ‌کس منتظر نمی‌ماند. دیروز به تاریخ پیوست، فردا معماست و امروز، هدیه... قدرش را بدانیم.





شلغم، اجدی بگیرید!

امام صادق علیه السلام فرمودند: "بر شما باد شلغم، آن را بخورید و پیوسته خوردنش را استمرار بخشید... و هم چنین فرمود "شلغم را در فصل آن (سرما) بخورید تا هر دردی را از شما ببرد."

شلغم گیاهی است با برگ‌های ناصاف و بریدگی‌های زیاد به رنگ سبز و سفید. ریشه آن غده‌ای و به شکل‌های گرد و یا دراز به رنگ سفید، با لکه‌های بنفش است.

شلغم در هوای سرد بسیار خوب رشد می‌کند و شاید علت آن باشد که برای درمان بیماری‌هایی که در فصل سرما زیاد است و بیماری‌های تنفسی به کار می‌رود.

خواص دارویی شلغم:

خواص شلغم آن قدر زیاد است که می‌توان گفت این گیاه برای هر دردی درمان است و اگر مردم می‌دانستند که این گیاه چقدر فایده دارد تمام باغچه‌های خانه خود را شلغم می‌کاشتند و هر روزه از آن استفاده می‌کردند.

۱. شلغم مقوی است.

۲. شلغم اشتها آور است.

۳. شلغم سرفه را تسکین می‌دهد.

۴. ترشی شلغم بهترین نوع ترشی است زیرا مقوی معده و روده‌ها و اشتها آور است.

۵. آب شلغم قند خون را پائین می‌آورد.

۶. اگر گلو درد دارید آب پخته شلغم را قرقره کنید.

۷. خوردن آب شلغم درمان کننده جوش صورت است.

۸. آن‌هایی که حافظه ضعیف دارند، شلغم بخورند زیرا ثابت شده است که شلغم حافظه را تقویت می‌کند.

۹. شلغم شب کوری را درمان می‌کند.

۱۰. شلغم به علت داشتن ویتامین B۱ علاج کم‌خونی است.

دندان‌های سفید داشته باشید

مسواک بزنید، نخ‌دندان بکشید و توت‌فرنگی بخورید. این میوه خوشمزه حاوی اسید سالسیلیک است و تا حدودی باعث روشن شدن رنگ دندانها می‌شود. توت‌فرنگی می‌تواند از تشکیل پلاک میکروبی (که عامل پوسیدگی و عفونت لثه‌هاست) جلوگیری کند و به‌طور طبیعی حاوی یک ماده سفیدکننده ملایم است.

نگین می‌شوید

سبزی محبوب ملوان زبل، فواید متعددی از جمله برای پوست دارد. ویتامین A موجود در اسفناج از پوست در برابر آسیب‌های اشعه ماورای بنفش محافظت کرده و تکثیر جایگزین شدن سلول‌های جدید به‌جای سلول‌های قدیمی و مرده را به شکلی مطلوب امکان‌پذیر می‌سازد. بدین ترتیب با استفاده از اسفناج پوستتان همواره شاداب و درخشان باقی می‌ماند.

انرژی خود را زیاد کنید!

اغلب مردم تصور می‌کنند، پر تقال ابرقهرمان ویتامین C است اما واقعیت این است که فلفل دلمه‌ای زرد تقریباً سه و نیم برابر پر تقال ویتامین C دارد. بنابر نتایج تحقیقی که به‌تازگی در دانشگاه آریزونا انجام گرفته، افرادی که از مکمل‌های ویتامین C استفاده می‌کردند بیشتر از افرادی که دچار کمبود این ویتامین هستند چربی می‌سوزانند. و دچار چربی خون نیستند. پروفیسور «کارول جانستون»، مدیر بخش تغذیه دانشگاه آریزونا می‌گوید: «بدن شما برای ساخت کارنیتین به ویتامین C نیاز دارد.» کارنیتین در عضلات باعث تبدیل چربی به انرژی می‌شود.

یه فنبان شوفی

آجر زیر پا

یه نفر میخواست پشتم رو بخارونه. دستش نمیرسیده.... آجر میزاره زیر پاش!

مداد رنگی

پیر شدیم، آخرش نفهمیدیم فایده مداد سفید تو جعبه مداد رنگی چی بوده؟!!

نمی‌فهمه!

دقت کردین طرف وقتی بچه هست میگن: بچه است نمی‌فهمه!

وقتی نوجوانه میگن: نوجوانه نمی‌فهمه!

وقتی جوان میشه میگن: جوانه نمی‌فهمه!

وقتی هم پیر شد میگن: پیره حالیش نیست، نمی‌فهمه!

وقتی که مرد، میان سر قبرش و میگن: خدا رحمتش

کنه، عجب آدم فهمیده‌ای بود!

مسابقه ... با جایزه

با امید این که مطالب این ویژه‌نامه، مورد استفاده شما قرار گرفته باشد، به اطلاع می‌رساند جوایز این بخش صرفاً برای قراء نوجوان عضو طرح اسوه پیش‌بینی شده است. لطفاً پاسخ سوالات را با ذکر نام خود به آدرس ایمیلی که در شناسنامه نشریه ذکر شده ارسال کنید.

۱- علت محبت بسیار زیاد پیامبر گرامی اسلام به کودک هم‌بازی امام حسین(ع) چه بود؟

الف) هم‌بازی بودن این کودک با امام حسین(ع)

ب) اظهار دوستی به امام حسین(ع) وفاداری و فداکاری کودک نسبت به امام در آینده

ج) اظهار دوستی بیش از حد کودک به امام حسین(ع)

۲- حدیث «بوی سبب» از کدام معصوم نقل شده است؟

الف) امام علی(ع) ب) امام باقر(ع) ج) امام سجاد(ع)

۳- پاسخ مردمی که دعاهای شان به استجاب حضرت حق رسیده، به محضر پروردگار عالم چیست؟

الف) پرهیز از دروغ ب) دعای بیشتر برای درخواست‌های دیگر ج) شکر به درگاه خدا

۴- نام دو فرزند حضرت زینب(س) که در کربلا شهید شدند، چیست؟

الف) عون و ابراهیم ب) محمد و ابراهیم ج) عون و محمد

۵- دست زدن بدون وضو به اسامی خداوند به چه زبانی حرام است؟

الف) انگلیسی ب) عربی و فارسی ج) تمام زبان‌ها

۶- سوره معروف به «دبایح» کدام سوره است؟

الف) بقره ب) آل عمران ج) نساء

۷- کدام یک از نوجوانان کاروان حسینی، پیش از شهادت از دشمن و قاتل خود تقاضای مهلت برای نماز و مناجات کرده بود؟

الف) طفلان مسلم(ع) (محمد و ابراهیم) ب) عون بن عبدالله ج) عبدالله بن مسلم

۸- «انما تجزون ما کنتم تعملون» به چه معناست؟

الف) به خاطر اعمالی که انجام دادید، مجازات نمی‌شوید.

ب) جز این نیست که شما بدان چه کرده‌اید مجازات می‌شوید.

ج) شما به اندازه‌ی عمل‌تان مجازات خواهید شد.

۹- حدیث «فرصت‌ها چون ابر می‌گذرد؛ پس فرصت‌های نیک را غنیمت بدانید» از کدام امام است؟

الف) امام حسین(ع) ب) امام رضا(ع) ج) امام علی(ع)

۱۰- مقوی، اشتها آور، تسکین سرفه، پایین آورنده قند خون، رفع گلودرد و تقویت حافظه از خواص کدام گیاه است؟

الف) اسفناج ب) فلفل دلمه‌ای زرد ج) شلغم

پیک های محرم

منزلگه عشاقِ دل آگاه، حسین است / بی‌راهه نرو، ساده‌ترین راه، حسین است / از مردم گمراه جهان راه مجوید / نزدیک‌ترین راه به الله، حسین است.

آبروی حسین به کهکشان می‌ارزد / یک موی حسین بر دو جهان می‌ارزد / گفتم که بگو بهشت را قیمت چیست؟ / گفتا که حسین بیش از آن می‌ارزد.

دانی از چه رو گاه گاه آید زلزله / چون زمین هم می‌کند با نام زینب هلله / دانی از چه رو گاه طوفان می‌شود / صحنه جنگیدن عباسِ اکران می‌شود / آغاز ماه محرم را به شما و خانواده محترم‌تان تسلیت عرض می‌کنم
ماه خون، ماه اشک، ماه ماتم شد / بر دل فاطمه داغ عالم شد / فرا رسیدن ماه محرم را به عزاداران راستینش تسلیت عرض می‌کنم.

السلام علیک یا ابا عبدالله / دیباچه عشق و عاشقی باز شود / دل‌ها همه آماده پرواز شود / با بوی محرم الحرام تو حسین، ایام عزا و غصه آغاز شود / آغاز محرم حسینی را تسلیت عرض می‌کنم.

به سر غیر از تو سودایی ندارم یا حسین جان / به دل جز تو تمنایی ندارم یا حسین جان / خدا داند که در بازار عشقت / به جز جان هیچ کالایی ندارم یا حسین جان.

قیامت بی حسین غوغا ندارد / شفاعت بی حسین معنا ندارد / حسینی باش که در محشر نگویند / چرا پرونده‌ات امضا ندارد!

پرسیدم از حلال ماه، چرا قامتت خم است؟ / آهی کشید و گفت که ماه محرم است / گفتم که چیست محرم؟ به ناله گفت / ماه عزای اشرف اولاد آدم است.

عبداللہ بن علی
علی بن ابی‌طالب
www.Tavabin.ir



